

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۴۰۰ - ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲ - سال بیست‌ویکم - شماره ۵۶۰

حمید جبلی حتی وقتی می‌خواهد از ممیزی بگوید، باز هم طنز است. او به جای هر گونه غر زدن، حرف‌های خود را با زبانی شیرین می‌زند که نه کام مخاطب تلخ بشود و نه به کسی بر بخورد. این هنرمند که در بیشتر عرصه‌های هنری صاحب تجربه است، در ادامه فعالیت‌های نوشتاری‌اش، بخشی از خاطرات خود را منتشر کرده. البته این خاطره‌ها همه متعلق به زمان کودکی اوست که در کتابی دو جلدی با نام «خاطرات پسرپچه شصت ساله» به چاپ رسیده است. هر دو جلد این کتاب به چاپ پنجم رسیده‌اند.

خواندن این دو کتاب برای خوانندگانِ که دوستدار داستان هستند، هم لذت‌بخش است و هم نوستالژیک و البته این پرسش جدی را هم به هم‌راه دارد که چرا او خاطرات بزرگسالی‌اش را منتشر نکرده است.

انتشار این دو کتاب سبب شد تا در ایسنا گفتگوی

کوتاهی با این هنرمند گفتگوگیز داشته باشیم. سعی کردیم آنچه را ناگفته مانده، از خلال پرسش‌های‌مان مطرح کنیم ولی او هم با هوشمندی خاص خودش، گفتن بعضی چیزها را به «بعدا» موکل کرده است. بنابراین شاید بتوانیم آنچه را که پیش‌رو دارید، یک گفتگوی اثباتیونی بنامیم و منتظر فرصتی بهتر برای گفتگویی مفصل‌تر باشیم اما همین گپ و گفت مختصر هم خلی از لطف نیست.

اولین باری که با حمید جبلی درباره کتاب خاطراتش صحبت کردیم، او خبسر داد که خاطره‌های دوره کودکی و نوجوانی‌اش در سه جلد منتشر خواهد شد. مدتی بعد جلد اول منتشر و با موفقیتی چشمگیر رو به رو شد ولی گفته شد که دو جلد بعدی در یک کتاب منتشر خواهند شد. اولین کنجکاوی ما این بود که بر سر جلد سوم خاطرات او چه آمده است.

چه کنیم که کاغذ نداریم؟؟؟

جبلی درباره این موضوع توضیح می‌دهد: «بله درست می‌فرمایید، جلد سوم و حتی چهارم هم آماده چاپ است ولی چه کنیم که کاغذ نداریم نه برای کتاب داستان که حتی نشریات هم با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند و باید نگران قیمت تمام شده کتاب باشیم. چند درصد کتاب می‌خوانند اگر قیمت چندین برابر بشود؟؟؟» موضوع دیگر این بود که آیا در میان خاطره‌های کودکی او خاطراتی هستند که به دلایلی مثلا ممیزی حذف شده باشند. جبلی با همان طنزای همیشگی‌اش چنین پاسخی به این

حمید جبلی:

حتی خواب‌هایم سانسور می‌شود



پرسش می‌دهد: «سال‌های دورتر از امروز یکی از مسئولان محترم فرهنگی در جمع فیلمنامه‌نویسان گفت سانسور را خودتان قبول کردید و ذهن و فکر و احساس‌تان عوض شده، من گفتم من دیگر رویاها و خواب‌هایم سانسور می‌شود. حتی در خواب می‌دانم به چه چیزهایی و چرا نزدیک نشوم. یکی از رویاهای شیرینی که از بچگی می‌دیدم پرواز بود؛ بر فراز جنگل، رودخانه و حتی شهرها. بعضی وقت‌ها تا نزدیک ابرها می‌رفتم و روی ابرها مثل تشکسی می‌خوابیدم که خستگی‌ام در برود و دوباره پرواز می‌کردم. یک شب فرشته‌ای بدحجاب و بدلباس روی ابرها کنارم آمد و لبخند زد و من آنقدر از عاقبت کار ترسیدم!»

دوستم خواهش کرد جلد سوم را به او ندهم!

با خواندن کتاب به این فکر می‌کنیم که مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟ بچه‌های دبیروز که دل‌شان برای حال و هوای کودکی تنگ شده یا بچه‌های امروز؟ ظاهرا این موضوعی است در آغاز برای خود جبلی هم جای سؤال داشته و او این گونه پاسخ می‌هد: «اول نمی‌دانستم و فقط فکر می‌کردم بچه‌های چند دهه پیش به دلیل وجود

پدرم بودند. کس دیگری را نمی‌شناختم. بعدا مفصل راجع به آدم‌های فرهنگی هنری و مشاهیری که با آنها آشنا شدم، برایتان می‌گویم.»

خاطره‌های حمید جبلی فقط داستان‌هایی شیرین نیستند. این خاطره‌ها بخشی از تاریخ هنر ما محسوب می‌شوند. او جزو هنرمندانی است که در دوره طلایی کانون پرورش فکری در این مکان آموزش دیده است و طبیعتا خاطره‌هایی که از این مجموعه دارد، نه تنها بخشی از تاریخ شفاهی هنر ماست بلکه برای پژوهشگران و برنامه‌ریزان فرهنگی هم می‌تواند کارگشا باشد. ما می‌خواستیم جای خالی خاطرات آن دوران را با این پرسش پر کنیم تا او کمی هم از دوران کانون بگوید.

او توضیح می‌دهد: «اگر بخوایم درباره کانون صحبت کنیم، خودش چندین کتاب است که یادداشت‌هایش را دارم . بزرگانی که بر روح و ذهن ما تاثیرگذار بودند و الان بخش عظیم هنرمندان رشته‌های مختلف، نمایانگر آن دوران است.»

نصف عمر را پشت لته‌های چوبی عروسکی گذراندم پرسش بعدی درباره دنیای عروسک‌هاست؛ دنیایی که حمید جبلی سال‌هاست با آن آشناست و طبیعتا نمی‌تواند آن همه تجربه را در یک پاسخ ساده خلاصه کند ولی با چند جمله کوتاه آنچه را که از دیدگان مخاطب دور می‌ماند، توضیح می‌دهد: «وای بر من که انگار ده برابر عمرم، زندگی کردم. دنیای عروسکی و عروسک‌هایی که ما با هم زندگی کردیم، عدد و معدودی ندارد . مخاطب شاید همین چند عروسک معروف را بشناسد ولی من نصف عمرم را پشت این لته‌های چوبی عروسکی گذراندم . از طرف رنگ‌های پرنشاط و متنوع داشت و طرف ما بر از تراشه و چوب و میخ‌هایی که به دست و بال‌مان می‌گرفت. از قصه‌ها خیلی دور شدم.»
بله بله. درست می‌گویید ولی حالا که دور شد‌ایم اجازه بدهید کمی هم از گروه تئاتر «بازی» بدانیم. تجربیات متفاوتی که با این گروه داشتید. «همه چیز را دنبال کردید. گروه تئاتر «بازی» که توسط آتیلا سپاسی شکل گرفت، حدود چهل سال است که فعالیت می‌کند و من در این مدت عکاس گروه بودم. دوستان عکاس می‌دانند عکاسی با ناگوش و حساسیت ثابت و نورهای کم با حرکت بازیگران، سرعت شاتر … یعنی چه که البته آن عکس‌ها را قرار است یک روز به کمک آتیلا عزیز چاپ کنیم.»

خاطره‌هایی از دکتر گل گلاب و فرهاد

یکی از ویژگی‌های دوست‌داشتنی این کتاب‌ها حضور چهره‌های محبوب و شناخته شده‌ای مانند دکتر گل گلاب و فرهاد مهرا است که خواننده دوست دارد درباره آنان بداند. پرسش بعدی ما این بود که جلیب از این شخصیت‌های فرهنگی که با آنان مرتبط بوده است، چگونه این دو شخصیت را برای حضور در کتاب خاطراتش انتخاب کرده است: «من هنوز دبستان هم نرفته بودم و آنها دوستان

لباس جدید پادشاه» دوباره در تهران



لادن نزاری در دومین تجربه کارگردانی، نمایش «لباس جدید پادشاه» را برای سومین بار در تماشاخانه «سنگلج» روی صحنه می‌برد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی، نمایش کمدی «لباس جدید پادشاه» به طراحی و کارگردانی لادن نازی و نویسندگی فرزاد فخری‌زاده با رویکرد طنز انتقادی با تلفیقی از تکنیک‌های بازیگری و تئاتر عروسکی از ۱۰ بهمن الی ۶ اسفندماه سال جاری در تماشاخانه سنگلج (قدیمی‌ترین تماشاخانه فعال

شهر تهران) به روی صحنه خواهد رفت. این نمایش بعد از تجربه اجرای آبان، آذر سال ۱۳۹۸ و فروردین ماه ۱۴۰۰ (با وجود اوج روزهای وضعیت قرمز کرونایی تهران) پس از استقبال تماشاگران و منتقدان تئاتر و بعد از پشت سر گذاشتن محدودیت‌ها و کارشکنی‌های بسیار، سرانجام برای بار سوم و وقفه ای ۹ ماهه اجرا می‌شود. ایمان سسلگی، میثاق اقامولایی، بهرام عباسی فرد، بهرام بهیپانی، علی قربان‌خانی،مهید قناعت پیشه،فریده خزاعی،درسا علمی‌نژاد، فاطمه اشکانی، زینب همتی،بهاراحمدی، میرا انورنسب،شهره فرخی و مبیناجمالی بازیگران این نمایش به ترتیب ورود به صحنه هستند. در خلاصه این نمایش که هرشب ساعت ۱۹ و در روزهای پنجشنبه و جمعه در سانس فوق العاده ساعت ۱۷ نیز به روی صحنه می‌رود آمده است: «در ایران قانون منع استعمال البسه خارجی توسط مجلس ملی تصویب شده است و هم‌زمان با تصویب این قانون احمد قاجار به انگلستان سفر کرده است.» دیگر عوامل «لباس جدید پادشاه» عبارتند از : دستیار کارگردان و برنامه ریز: فریده خزاعی، طرح عروسک: لادن مهرازان، طرح حرکت: بهرام عباسی‌فر، طرح لباس: مهرداد عباسی، طرح صحنه: لادن نازی، گروه صحنه: بهرام عباسی فرد، محمدمیانی، طرح نور: میثم کحالی، آهنگساز: امیرسلامی، طرح و مسئول واحد گریم: کامبیزمومن خانی، مجریان گریم: کامبیزمومن خانی،سهیلاجوادی و…

رمان «آغوش امن» روایت تلخ و شیرین از روزگار کرونا

داشته باشم. او با بیان این که نوشتن نیز مانند کتاب خواندن یک خلسه‌گی روح است، ادامه‌داد: مانند شنیدن نوای موسیقی آرامش‌بخش و تخلیلی است که مرا به سوی جهانی بی‌انتها می‌برد. کتاب اولم به نام «در چند ثانیه» داستان زنی اهل کتاب و فلسفه است؛ زنی قوی که برای رسیدن به عشق، خود را اسیر هیچ چارچوبی نمی‌کند. این کتاب با توجه به جهان قصه، به شیوه سیال ذهن نوشته شد. کتاب دوم «بضی برای زندگی»، قصه یک جنین است. داستان از لحظه خلقت جنین آغاز می‌شود. این داستان به شیوه سورئال نوشته شد و راوی کوچک خیلی چیزها را می‌گوید. اسما «آغوش امن» واقعی است. تصریح کرد: رمان «آغوش امن» شامل دو برهه زمانی است. دوره کرونا و دوره‌ای که مربوط به چند دهه قبل می‌شود. سردی این داستان هولناک را با فلش‌بک و روایت قصه‌ای شیرین به چاشنی طنز نیز آمیخته‌ام؛ اتفاقاتی که برای نسل ما بسیار آشنا و نوستالژیک است، ولی متأسفانه «آغوش امن» با سانسور مواجه شد و پاره‌ایی از داستان حذف شد.

به هنرآنلاین گفت: معلم انشا بر گام را به‌عنوان یادگاری گرفت و گفت این انشا را نگه می‌دارم تا زمانی که نامت را روی جلد کتاب ببینم. از آن روز، سال‌ها گذشته و متأسفانه تاکنون به معلم انشایم دسترسی نداشت‌م اما جمله‌اش در من انقلابی به پا کرد و همان روزها عضو کتابخانه شهر شدم.

کتاب‌ها مرا به دنیای قشنگ‌تری بردند؛ دنیایی پر از تصاویر، داستان‌های عاشقانه، معماهای پلیسی، جاهایی که هرگز ندیده بودم، آدم‌هایی که به آن‌ها می‌خندیدم و گریه می‌کردم. دلچسب بود که به‌راحتی می‌توانستم به کنسروهای گوناگون سفر و با آدم‌های جدید زندگی می‌یادم می‌آید روزی کتابی را ظرف دو روز خواندم و به کتابدار تحویل دادم تا کتاب دیگری را به من بدهد. کتابدار با تردید به من نگاه کرد و گفت: همه این کتاب را خواندی؟ با سر تأیید کردم. گفت: باید خلاصه‌اش را بگوئی تا کتابی را که می‌خواهی بدهم. کم‌کم تصمیم گرفتم پول‌های توجیبی‌ام را جمع کنم و کتاب بخرم. آنقدر کتاب بخرم تا یک کتابخانه واقعی



که بسا آن‌ها ترکیب‌بندی‌های مختلف ایجاد می‌کردم، به مرور در تجاری‌ها خرده چوب‌ها را جمع‌آوری کرده و با آن‌ها شروع به ساخت حجم کردم. در این آثار بسازی با فرم‌ها برایم جذابیت دارد. مجسمه‌ای که در این مجموعه نمایش دادم ارتباط مستقیم با بنای یادبود اثر ولادیمیر تاتلین دارد. او درباره عکس‌های این مجموعه گفت: این عکس‌ها از مدت‌ها پیشتر آرشویم

فرهنگی

اخبار کوتاه

آثار هنر اسلامی دوره قاجار به حراج گذاشته می‌شود



یازدهمین مزایده گالری آرت‌بیشن که به هنر اسلامی دوره قاجار اختصاص یافته، در تاریخ ۱۵ تا ۱۶ بهمن در کانال تلگرام این گالری برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، در استیتمنت این نمایشگاه

آمده: «امروزه اهمیت هنر اسلامی را می‌توان در خانه‌های حراج خارج از کشور همچون سائیز و کریستیز و بونامز و بخش‌های مفصل و بزرگ هنر اسلامی در موزه‌های به نام دنیا دریافت. مجموعه‌ای متنوع از حیث موضوع و مضمون؛ نسخ خطی، قطعه‌های خوشنویسی با تنوع بالا از لحاظ نوع قلم به کار رفته، فرمان‌های شاهای قاجار و منسوجاتی مانند فرش و آثاری همچون قلمدان‌های پایه ماشه سفین به نقوش زیرلاکی و جعبه منبت کاری شده از جمله آثاری هستند که در این نمایشگاه به نمایش درآمده‌اند.»
یازدهمین مزایده گالری آرت‌بیشن با نمایش ۳۲ اثر از هنرمندانی نظیر بدالله کجوری، حسین مخصوص، زین‌العابدین اسفهانی، ابراهیم عاصمی، بنان‌اشریعه، عبدالله نیریزی، محمد باقر تنکابنی، فتح‌الله شیرازی و … برگزار خواهد شد. آثار این هنرمندان از تاریخ جمعه ۸ بهمن تا روز شنبه، ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ در گالری آرت‌بیشن در معرض تماشای علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. یازدهمین مزایده‌ی گالری آرت‌بیشن از ساعت ۱۶ روز ۱۵ بهمن ۱۴۰۰ در کانال تلگرام مزایده‌های این گالری به نشانی @artbition-auction برگزار می‌شود. این مزایده در ساعت ۲۰ روز ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ به پایان می‌رسد. علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای آثار همه روزه از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به نشانی: خیابان شریعتی، پایین‌تر از حسینیه ارشاد، نرسیده به همت، کنی لبی (غرب) میدان احمدی‌روشن (کتابی)، خیابان ساسانی‌پور، خیابان دریا (قندی)، شماره‌ی ۶ مراجعه و در صورت علاقه به حضور در مزایده از طریق کانال تلگرام ثبت‌نام کنند.

اعتراض بازیگر اسکاری به سکوت رسانه‌ای علیه مردم یمن



«سوزان ساراندون» بازیگر برنده اسکار نسبت به وضعیت مردم یمن و سکوت رسانه‌ای در قبال آن واکنش نشان داد. به گزارش ایسنا، این بازیگر ۷۵ ساله در صفحه توییتر خود نوشت: «هنوز در حال پردازش این موضوع هستم که

۲۴ ساعت پیش، عربستان سعودی، آمریکا و امارات سرویس اینترنت کشور یمن را به طور کلی غیرفعال کردند و در عین حال قلم‌عام‌های فراوانی در گوشه کنار یمن انجام می‌دهند و این موضوع همه جا در صدر اخبار نیست.» سازمان ملل اخیرا اعلام کرده به شدت نگران افزایش خشونت و درگیری‌ها در یمن است چراکه این موضوع موجب آسیب رسیدن به غیرنظامیان می‌شود و احتمال خروج درگیری‌ها از مرزهای کشور نیز وجود دارد.

«سوزان ساراندون» تاکنون پنج بار نامزد جایزه اسکار شده که چهار نامزدی او بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ متوالی بودند، او در آخرین بار در سال ۱۹۹۵ برای فیلم «راه رفتن مرد مرده» موفق به کسب جایزه اسکار نقش اول زن شد.

نکته

حسین‌هاشم‌پوردر واکنش به اظهارات فراستی: موزه هنرهای معاصر تهران چرا ساکت است؟



حسین‌هاشم پور، روزنامه نگار هنری گفت: «ادعای مسعود فراستی مبنی بر کبی بودن گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران آن هم در رسانه ملی، چوب حراج زدن به ثروت دو و نیم میلیارد دلاری ست که به تک تک مردم ایران تعلق دارد و هر جای دنیا بود موزه مربوطه هم از گوینده هم از رسانه شکایت حقوقی می‌کرد.»

این روزنامه نگار گفت: «مسعود فراستی در برنامه اخیر هفت، تلاش کرد اصالت یک ثروت ملی که همه دنیا کنجکاو و دل نگران وضعیت نگهداری آن است را به مخاطره اندازد. گنجینه‌ای که قیمتش قریب به دو و نیم میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.»

در این برنامه مسعود فراستی گفته است: «به موزه هنرهای معاصر تهران هم رحم نکنند… معلوم نیست چه بر سر (آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران) آمده است، فقط این را شنیدم که کبی‌هایی از اینا کار شده و فروش رفته و اصل نمی‌دانم کجاست» (نقل به مضمون)

هاشم پور، سردبیر ایران آرت خاطر نشان کرد: «تصور می‌کردم در طول هفته موزه هنرهای معاصر تهران و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این ادعا که کاملا خلاف منافع است، واکنش جدی و تند نشان دهد اما متأسفانه همه مراجع ذیصلاح سکوت کرده اند که اصلا برابیم قابل درک نیست.» او توضیح داد: «البته آگاهان به هنرهای تجسمی می‌دانند ادعای آقای مسعود فراستی درباره اصالت گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران از سر ناآگاهی و عدم شناخت این حوزه است و از اساس چنین ادعایی نمی‌تواند درست باشد، آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در دنیای هنر بسیار شناخته شده و آیکون هستند و فروش اصل و یا حتی کپی این آثار غیر ممکن و محال است؛ ورود هر یک از این آثار به بازار هنر یک بمب خبری خواهد بود و هیچ عقل سلیمی چنین اشتباهی را به میخله اش هم راه نمی‌دهد. کما اینکه هر زمان کار کبی در دنیای هنر یافت شده، کبی کاران رسوا و مورد پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند.»

هاشم پور خاطر نشان کرد: «هر جای دنیا بود موزه مربوطه در مقام صیانت از خود و اطمینان خاطر دادن به جامعه هنری و عموم مردم کشورش، بیانیه رسمی می‌داد، از ادعا کننده اسناد و مدارک می‌خواست و او را به مراجع قضایی معرفی می‌کرد تا سندهایش بررسی شود.»

هاشم پور خاطر نشان کرد:«موزه هنرهای معاصر تهران در این سال‌ها چندین و چند بار با تغییر مدیریت مواجه شده است، مانند همه عرصه‌های هنری، آنجا هم محله برو و بیای مدیرانی با طیف‌های سیاسی کاملن متضاد با هم بوده است، اما در این مورد خاص، این آمد و شدهای متنوع این حسن را داشته که همگی به صحت و سلامت آثار گنجینه صحه گذاشته‌اند. گنجینه موزه به عنوان یک ثروت ملی زیر نظر تمامی مراجع معتبر بازرسی و نظارتی قرار دارد و به دفعات آثار گنجینه به نمایش عموم درآمده است اگر واقعن کارهای موجود کبی هستند چرا یک بار یکی از این مدیران، مراجع قانونی و یا کارشناسان چنین اتفاق هولناکی را اعلان نکرده‌اند؟»

اعلام مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی پیکان سواری رنگ سفید معمولی مدل ۱۳۸۲ شماره موتور ۱۱۱۵۸۲۱۷۹۸۹ شماره پلاک ایران ۸۶-۱۸۵-۱۶ متعلق به علی اکبر حدادیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.